

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Quarterly Journal, Vol. 23, No. 1, Spring 2023, 87-111
Doi: 10.30465/CRTLS.2023.39591.2482

A Critique on the Article “A Glance at the Social Lifetime of the Ancient City of Saymarreh from Formation to Collapse”

Younes Yousofvand*

Abstract

Saymarreh has been one of the important cities of western Iran in the early Islamic centuries. Saymarreh City has been investigated in different aspects by scholars from the Qajar era. The result of this research has been published in many books and articles. This document criticizes and reviews one of the newest articles in regard to Saymarreh City. This article has been written by Mohsen Saadati and Hossein Naseri Someah under the name “A Glance at the Social Lifetime of the Ancient City of Saymarreh from Formation to Collapse” that has been published in the Journal of Pazhohesh-ha-ye Bastanshenasi, Iran No. 22, fall 1398. A precise review and critical evaluation of this article show that despite its strengths, it has serious shortcomings and drawbacks in terms of form and content. Despite being new, the article has no new findings and it is a repetition of previous researchers' comments about the City of Saymarreh. The time and reason for the extinction of Saymarreh City in this article is the same false hypothesis that has been expressed in the previous research.

Keywords: Saymarreh, Critical Review, Historical Texts, Archaeological Evidence.

* Assistant Professor of Archaeology, Faculty Member of Lorestan University, Khorramabad, Iran,
Yousofvand.y@Lu.ac.ir

Date received: 2022/12/27, Date of acceptance: 2023/04/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی»

یونس یوسف‌وند*

چکیده

سیمره یکی از شهرهای مهم غرب ایران در سده‌های آغازین اسلامی است که از اواخر دوره قاجار تاکنون از زوایایی مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. نوشتار حاضر به بررسی و نقد یکی از جدیدترین مقاله‌های منتشر شده در مورد این شهر می‌پردازد؛ این مقاله با عنوان «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی» به قلم «محسن سعادت» و «حسین ناصری صومعه» در مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران شماره ۲۲، دوره نهم، پاییز ۱۳۹۸ منتشر شده است. ارزیابی نقادانه‌ی مقاله نشان می‌دهد علی‌رغم نقاط قوتی که دارد اما از نظر شکلی و محتوایی دارای کاستی‌ها و اشکالات جدی است؛ ایرادات محتوایی مقاله از دو جنبه قابل طرح است؛ نخست رعایت نکردن اصول اولیه تحقیق و دیگری ایرادات عدیده علمی است که باعث گردیده مقاله فاقد تحلیل‌ها و نتایج سنجیده‌ای از موضوع مورد بررسی باشد. علی‌رغم جدید بودن، مقاله هیچ یافته نو و حرف تازه‌ای ندارد و مطالب آن تکرار گزارش‌های پژوهشگران پیشین در مورد شهر سیمره است. در مورد زمان و دلیل انقراض شهر (که پرسش اصلی مقاله و محور شکل‌گیری آن بوده است) اطلاعات جدیدی ارائه نشده است، زمان و دلیل مطرح شده برای انقراض شهر همان فرضیه اشتباهی است که در پژوهش‌های پیشین آمده است.

کلیدواژه‌ها: سیمره، بررسی انتقادی، متون تاریخی، شواهد باستان‌شناسی.

* استادیار باستان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، Yousofvand.y@Lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر گسترش آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته باستان‌شناسی باعث رشد کمی انتشارات علمی در حوزه مطالعات باستان‌شناسی گردیده است، به گونه‌ای که تعداد مجلات تخصصی این رشته از چهار پنج مورد در دهه‌های هفتاد و هشتاد خورشیدی به بیش از ده مورد در سال‌های اخیر رسیده است.^۱ در برخی موارد در این مجلات مقالاتی منتشر شده است که دارای کاستی‌ها و اشکالات اساسی بوده و از نظر کیفی در سطح قابل قبولی نیستند. البته روشن است که هر پژوهش علمی دارای کاستی‌هایی است و انتظار نمی‌رود که تمام مقالات بی‌نقص باشد و هیچ ایرادی نتوان بر آنها وارد دانست. اما با نگاهی اجمالی به مجلات و کتاب‌های مجموعه مقالات همایش‌های برگزار شده به مقالاتی برخورد خواهیم کرد که نه تنها اصول اولیه یک تحقیق و پژوهش علمی در آنها رعایت نشده است بلکه اخلاق حرفه‌ای نیز در آنها نادیده گرفته شده است. در برخی از مقالات، حاصل کار دیگران به عنوان نتایج پژوهش و دستاورد نویسنده در آن مقالات مطرح شده است (Mutin and Garazhian 2019). در مواردی هم از شواهد باستان‌شناسی تفسیرهای نادرست و عجولانه‌ای ارائه شده است که نتایج این پژوهش‌ها و آراء و نظریات ارائه شده در آنها را نیازمند بازنگری کرده است (اسدی اوجایی و همکاران ۱۳۹۸). به موازات رشد کمی انتشارات علمی در حوزه باستان‌شناسی در سال‌های اخیر، زمینه نقد و بررسی انتقادی این انتشارات نیز فراهم شده است؛ هرچند این انتقادات در برخی موارد به تندی هرچه تمام‌تر بوده و بعضاً از نقد علمی فاصله گرفته است (عبدی ۱۳۹۵)، اما موارد متعددی هم هستند که در آنها منتقدان بدور از هرگونه جنجال غیرعلمی به واکاوی نقاط ضعف و قوت کتب و مقالات منتشرشده پرداخته‌اند (لباف‌خانیک ۱۳۹۶؛ حسین‌زاده ساداتی ۱۳۹۸؛ علی‌بیگی ۱۳۹۹). بی‌تردید بازشدن فضای نقد و بررسی نقادانه در حوزه باستان‌شناسی به موازات رشد کمی انتشارات این حوزه، باعث اصلاح نقاط ضعف و رشد کیفی انتشارات آتی خواهد شد.

سیمره یکی از شهرهای مهم غرب ایران در بازه زمانی اواخر دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی است که نام آن به همراه شهر سیروان و ایالت‌های مهرجان‌قندق و ماسبدان در متون تاریخی سده‌های نخست تا میانه اسلامی آمده است. این شهر از اواخر دوره قاجار تاکنون مورد توجه پژوهشگران مختلفی قرار گرفته و مطالب متعددی در مورد آن منتشر شده است. در اغلب پژوهش‌های پیشین، فرضیات مطرح شده در مورد این شهر و بویژه تاریخ و دلیل متروکه شدن آن بر پایه گزارش‌های پراکنده متون تاریخی استوار است

(لک‌پور ۱۳۸۹؛ مظاهری و همکاران ۱۳۹۳). هرچند گزارش‌های متون تاریخی و جغرافیای تاریخی در بازشناسی و ارائه سیمای واقعی‌تر شهرهای دوران اسلامی ایران بسیار به‌کار می‌آید، اما پذیرش این گزارش‌ها بدون صحت‌سنجی و ارزیابی آنها با شواهد باستان‌شناختی گمراه‌کننده است. جستار پیش‌رو به بررسی و نقد یکی از جدیدترین مقالات نوشته شده در مورد شهر سیمره می‌پردازد که در آن مانند اغلب پژوهش‌های انجام شده در مورد شهر سیمره گزارش‌های متون تاریخی مبنایی برای فرضیه‌پردازی در خصوص آغاز و سرانجام این شهر بوده است. در جستار پیش‌رو تلاش شده است تا با نقد شکلی و محتوایی این مقاله ضمن مشخص کردن نقاط قوت و ضعف آن، اهمیت بررسی‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر متون تاریخی و لزوم سنجش و ارزیابی گزارش‌های آنها با شواهد باستان‌شناسی در هنگام مطالعه شهرهای تاریخی مورد تأکید قرار گیرد.

۲. معرفی مقاله مورد نقد

این مقاله با عنوان «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی» به قلم محسن سعادت‌تی و حسین ناصری صومعه در مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران شماره ۲۲، دوره نهم، پاییز ۱۳۹۸ منتشر شده است. مقاله در ۱۷ صفحه‌ی مصور تنظیم شده است و به روال معمول مقالات علمی مجلات فارسی شامل بخش‌های چکیده، مقدمه (شامل بیان مسأله، اهداف و ضرورت تحقیق، پرسش‌ها و فرضیات تحقیق، روش پژوهش)، پیشینه پژوهش، بدنه تحقیق شامل بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی (در دو زیرعنوان الف: بسترهای جغرافیایی و ب: بسترهای تاریخی)، شواهد باستان‌شناختی، اطلاعات زمین‌شناختی و نتیجه‌گیری است. پس از نتیجه‌گیری سپاسگزاری و پی‌نوشت‌ها و پس از آن کتابنامه در دو بخش فارسی و انگلیسی آمده است. مهمترین موضوع مورد بحث در مقاله آنگونه که در مقدمه آن آمده بررسی نقش شهرها در تحولات اجتماعی و تبیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی شهرهای دوران ساسانی و اسلامی است. پرسش‌های اصلی مقاله از این قرار است: ۱- وضعیت سکونت در شهر سیمره چگونه است و به چه زمانی می‌رسد؟ ۲- با وجود اهمیت و موقعیت جغرافیایی سیمره، با توجه به اطلاعات زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی و داده‌های باستان‌شناسی، علت اصلی متروک شدن سیمره چیست؟ در پاسخ به این پرسش‌ها فرضیه‌ای مطرح نشده است. هدف تحقیق در زیرعنوان اهداف و ضرورت پژوهش مشخص نمودن زمان ایجاد شهر سیمره و تغییرات احتمالی که در طول شکل‌گیری آن رخ داده و مشخص نمودن

علت اصلی نابودی شهر با توجه به داده‌های زمین‌شناسی، متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی بیان شده است. در این قسمت مطلبی در مورد ضرورت انجام تحقیق مطرح نشده اما در مقدمه عنوان شده که حیات اجتماعی و سیاسی شهر سیمره در دوره ساسانی و اسلامی و حجم انبوه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی در خصوص این شهر ضرورت مطالعه آنرا فراهم کرده است. روش گردآوری اطلاعات روش میدانی و کتابخانه‌ای و رویکرد پژوهش هم توصیفی تاریخی-تحلیلی عنوان شده است. آنچه که این مقاله به‌عنوان نتیجه به آن رسیده است ویران و نابود شدن یکباره شهر سیمره بر اثر زلزله در سال ۲۵۸ ه ق است.

۳. شهر سیمره در یک نگاه

شهر تاریخی سیمره که در برخی منابع با ضبط سیمره نیز آمده است (حموی ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹؛ ابن‌فقیه ۱۳۰۲: ۲۳؛ حدودالعالم ۱۳۴۲: ۴۰۶)، یکی از مهمترین شهرهای ناحیه غربی ایران در محدوده زمانی اواخر دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی است (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۶؛ ابوالفداء ۱۳۳۲: ج ۱، ۱۶۴؛ ابن‌وردی ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲۶؛ بلاذری ۱۴۱۲: ۳۵۳). بخش اعظم اطلاعات موجود در مورد این شهر از متون تاریخی بدست آمده است؛ متون تاریخی ضمن توصیف جنبه‌های مختلفی از این شهر، از آن به‌عنوان مرکز ولایت مهرجان‌فندق یاد کرده‌اند که در همسایگی ولایت ماسبدان با مرکزیت شهر سیروان/شیروان در ایالت جبال قرار داشته است (ابن‌خردادبه ۱۸۸۹: ۴۱ و ۲۴۴؛ ابن‌رسته ۱۲۷۹: ۲۶۹-۲۷۰؛ استخری ۱۳۴۰: ۱۶۴؛ مسعودی ۱۳۴۶: ۴۹ و ۳۵۳؛ ابن‌حوقل ۱۳۱۵: ۳۶۱-۳۶۲). با توجه به اشارات پراکنده متون تاریخی و شواهد ضعیف باستان‌شناسی، حیات این شهر به احتمال از اواخر دوره ساسانی آغاز شده و پس از یک دوره حیات پررونق در اواخر سده‌های آغازین اسلامی به‌دلایل نامشخصی متروکه شده است. به واسطه کثرت اشارات متون تاریخی به سیمره و حجم زیاد بقایایی معماری مربوط به سده‌های آغازین اسلامی باقیمانده از آن، از اواخر دوره قاجار به بعد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و تاکنون مطالب زیادی در مورد آن منتشر شده و البته موارد مبهم زیادی دیگری هم در مورد آن همچنان باقی مانده است.

۴. پیشینه پژوهش‌های شهر سیمره

مطالب منتشر شده در مورد شهر سیمره را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد؛ نخست مطالب منتشر شده توسط باستان‌شناسان و پژوهشگران غیرایرانی، و دسته دوم مطالب منتشر شده توسط پژوهشگران ایرانی است. گروه نخست عمدتاً در سال‌های قبل از انقلاب منتشر شده‌اند؛ در آن دوره پژوهشگرانی از کشورهای غربی که اغلب مأمور سیاسی دول خارجی در ایران بودند، مشاهداتشان از خرابه‌های شهر سیمره را در حاشیه کتبی که حاصل سفرهای آنها در ایران بوده منتشر کرده‌اند (راولینسون ۱۳۳۶: ۳۹ و ۱۷ و ۹؛ چریکف ۱۳۵۸: ۱۰۰؛ De Morgan 1896: 365-370؛ نیز نک: دمورگان ۱۳۳۹: ۲۱ و ۱۶ و ۲۵؛ Schmidt; Stein 1940: 206-208; Schmidt 1989: 11; 1989: 53 & 54).

دسته دوم فعالیت‌های است که توسط پژوهشگران ایرانی و عمدتاً در سال‌های پس از انقلاب اسلامی انجام گرفته است، در مقایسه با دسته اول این فعالیت‌ها هدفمندتر بوده و در آنها محور اصلی پژوهش شهر سیمره بوده است (ایزدینا ۱۳۵۰: ۴۶۸-۴۷۴؛ قره‌چانلو ۱۳۶۰: ۳۱-۵۲؛ عباسی ۱۳۸۳). مطالعات شهر سیمره از سال ۱۳۶۲ش با تعیین حریم آن توسط سیف‌الله کامبخش‌فرد وارد مرحله جدیدی شد. پس از آن تا سال ۱۳۸۸ش در چند نوبت کاوش‌های در آن انجام شد (لک‌پور ۱۳۸۹: ۱۲۵؛ فریادیان، ۱۳۸۸)، نتیجه تمام این فعالیت‌ها در قالب گزارش، مقاله و کتاب منتشر شده است (کامبخش‌فرد ۱۳۶۸؛ لک‌پور ۱۳۸۴؛ فریادیان ۱۳۸۸؛ لک‌پور ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر تحقیقاتی در مورد شهر سیمره انجام شده است؛ در این تحقیقات یا از منظر جغرافیای تاریخی و بررسی متون تاریخی به این شهر توجه شده است (اسماعیلی و علی‌بیگی ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۴۱؛ مظاهری و همکاران ۱۳۹۳: ۹۷-۹۸؛ گراوند و زینی‌وند ۱۳۹۳: ۴۷۳-۴۸۴) و یا به مطالعه یافته‌های بدست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی شهر (سفال، گچ‌بری و...) پرداخته شده است (فیضی و همکاران ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۵۲؛ یوسف‌وند و میری ۱۳۹۴: ۳۵-۴۶؛ مبینی و همکاران ۱۳۹۷: ۶۱-۷۲). برخی پژوهش‌ها هم رویکردی ترکیبی در پیش گرفته‌اند (یوسف‌وند و کرم‌زاده ۱۳۹۹: ۱۵۱-۱۷۲؛ شریفی‌نیا و شاکرمی ۱۳۹۶؛ زارعی و شریفی‌نیا ۱۳۹۸: ۶۷-۹۲). در مدخل سیمره (سیمره) در دانشنامه جهان اسلام به قلم عباس احمدوند نیز شرح مختصری از جغرافیای تاریخی سیمره و نابودی آن بر اساس متون تاریخی آمده است (احمدوند ۱۳۹۷: ذیل مدخل «سیمره»). این شهر موضوع دو پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نیز بوده است (یوسف‌وند ۱۳۸۹؛ سعادت ۱۳۹۴). مقاله مورد نقد در

جستار پیش‌رو از جدیدترین پژوهش‌های منتشر شده در مورد شهر سیمره است که در ادامه با ارزیابی آن از نظر شکلی و محتوایی به بررسی نقاط قوت و ضعف آن پرداخته می‌شود.

۵. نقد شکلی مقاله

از نظر شکلی مقاله در ۷ بخش تنظیم شده است و برای هر بخش سرعنوان‌های مجزا انتخاب شده است. عنوان انتخاب شده برای مقاله عنوانی کوتاه، گویا و مناسب است. متن مقاله به‌غیر از چند مورد، در مجموع با بیانی روان نوشته شده است. در متن مقاله در مجموع ۵ تصویر، ۱ نمودار و ۱ جدول استفاده شده است که هر یک زیرنویس مختص به خود را دارد و در متن مقاله هم به آنها ارجاع داده شده است.

تصویر شماره یک دورنمای از شهر سیمره است، زاویه انتخاب شده برای عکاسی نامناسب است، بگونه‌ای که زاویه نامناسب و عدم جایگیری مناسب عکاس باعث شده که شهر امروزی دره‌شهر در جلوی تصویر و بقایای شهر سیمره در پس‌زمینه قرار بگیرد. بهتر بود زاویه عکاسی به گونه‌ای انتخاب شود که محوطه‌ی تاریخی در جلوی تصویر و شهر امروزی دره‌شهر در پس‌زمینه یا انتهای تصویر قرار بگیرد. این امر ضمن آنکه باعث می‌شد محوطه تاریخی و جزییات آن بهتر دیده شود، رابطه محوطه تاریخی با شهر امروزی دره‌شهر را مشخص‌تر نشان می‌داد. تصویر کیفیت مناسبی ندارد و خرابه‌های شهر سیمره در آن دیده نمی‌شود. اگر تصویر از زاویه مناسب و با کیفیت مناسب‌تری تهیه می‌شد یقیناً در درک بصری از موقعیت و چشم‌انداز شهر سیمره به مخاطب مفیدتر بود. تصویر شماره ۲ تصویر هوایی شهر سیمره است که در دهه چهل میلادی توسط اشمیت تهیه شده است؛ این تصویر به‌خوبی بقایای شهر سیمره در حاشیه شهر دره‌شهر را نشان می‌دهد. تصویر از کیفیت مناسبی برخوردار است اما نه جهت شمال آن مشخص است و نه مقیاس دارد؛ به همین خاطر اندازه بناها و فضاها در شهر مشخص نیست و موقعیت آنها نسبت به جهات اصلی جغرافیایی نامشخص است.

تصویر شماره ۳ چند نمونه از ظروف سفالی بدست آمده از شهر سیمره را نشان می‌دهد، کیفیت پایین تصویر و نور زیاد باعث شده جزییات تزئینی سفال‌ها به‌خوبی مشخص نباشد. سفال‌ها با اعداد انگلیسی شماره‌گذاری شده‌اند، به‌جای اعداد انگلیسی بهتر بود شماره‌گذاری با اعداد فارسی انجام می‌گرفت. نمودار شماره یک به دوره‌بندی شهر سیمره بر اساس سفال‌های بدست آمده از این شهر اختصاص دارد. در این نمودار به‌طور خلاصه سفال‌های بدست آمده از

شهر سیمره در سه دسته ساسانی، اسلامی و نامشخص تقسیم‌بندی شده‌اند و بر این اساس، فراوان‌ترین سفال‌های سیمره، سفال‌های اسلامی هستند.

جدول شماره یک به مقایسه تصویری تزیینات گچ‌بری شهر سیمره با نمونه‌های محوطه‌های داخل و خارج از ایران پرداخته است. این جدول سه صفحه از حجم مقاله را به خود اختصاص داده است. در این جدول طرح گچ‌بری‌های شهر سیمره با تصاویر نمونه‌های از گچ‌بری‌های محوطه‌های داخل و خارج از ایران مقایسه شده‌اند. طرح‌های انتخاب شده کیفیت مناسبی ندارند و جزئیات نقوش تزیینی در آن‌ها مشخص نیست، با توجه با اینکه تصاویر مقیاس ندارند اندازه نقوش در آنها مشخص نیست. این بخش با موضوع اصلی مقاله ارتباط چندانی ندارد و آوردن آن تنها بر حجم مقاله افزوده است (در بخش نقد محتوای به این موضوع به تفصیل پرداخته شده است).

تصویر شماره ۴ پلان یکی از بناهای شهر سیمره را نشان می‌دهد که از طرف کاوشگر با عنوان مسجد معرفی شده است. نه جهت شمال در آن مشخص است و نه مقیاس دارد و اندازه فضاها در آن مشخص نیست.

تصویر شماره ۵ محدوده زمین‌لغزش سیمره بر روی نقشه توپوگرافی با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ را نشان می‌دهد. تصویر کیفیت مناسبی ندارد، بهتر بود به جای آن از تصاویر ماهواره‌ای مناسب‌تر استفاده می‌شد. در توضیحات مربوط به زیرنویس عکس، مقیاس به شکل عددی نوشته شده است، در اینگونه موارد معمولاً مقیاس به شکل خطی نوشته می‌شود تا در صورت کوچک یا بزرگ شدن تصویر اندازه جزییات داخل تصویر مشخص باشد.

در مجموع تصاویر، جداول و نمودارهای استفاده شده در مقاله کم و بیشتر آنها کیفیت مناسبی ندارد. جای‌گذاری تصاویر در متن به‌دقت انجام نشده است؛ تصاویر مربوط به شواهد باستان‌شناسی در داخل توضیحات مربوط به بسترهای تاریخی قرار گرفته است، بهتر آن بود که تصاویر هر بخش در داخل متن مربوط به آن و بلافاصله پس از اتمام متن قرار می‌گرفت. چیدمان بخش‌های مقاله بخصوص در قسمت بدنه تحقیق نظم مناسبی ندارد، بهتر بود بدنه تحقیق به سه بخش ۱. شکل‌گیری ۲. رشد و توسعه ۳. فروپاشی تقسیم‌بندی می‌شد و شهر در این سه سطح با استناد بر اطلاعات متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

۶. نقد محتوایی اثر

این مقاله از نظر محتوایی کاستی‌ها و نواقصی دارد که در چند محور اصلی به آنها اشاره می‌شود:

۱.۶ عدم انطباق عنوان با متن مقاله

هرچند عنوان انتخاب شده برای مقاله عنوانی کوتاه، گویا و مناسب است اما با بررسی محتویات مقاله مشخص می‌شود که عنوان مقاله با محتویات آن همخوانی ندارد، متن مقاله توصیف روشنی از عنوان را ارائه نمی‌دهد؛ عنوان مقاله به حیات اجتماعی شهر سیمره اشاره دارد، اما متن مقاله بیشتر از آنکه به حیات اجتماعی شهر بپردازد به توصیف متون تاریخی از شهر سیمره و شرح برخی از یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی این شهر پرداخته است. حیات اجتماعی با حیات فیزیکی و کالبدی شهر تفاوت دارد، در بررسی حیات اجتماعی یک شهر لازم است به ویژگی‌های اجتماعی شهر، جوامع ساکن در شهر و مناسبات آنها با هم و با دیگر جوامعی که با آنها در ارتباط بوده‌اند توجه شود. اما نگارندگان از این مهم غفلت کرده و بر حیات فیزیکی و کالبدی شهر آن هم به شکل ناقص متمرکز بوده‌اند. در مقاله بحثی در مورد شکل‌گیری شهر سیمره، رشد و گسترش آن نشده است. در مطالعات باستان‌شناسی به‌طور معمول حیات یک شهر در سه سطح ۱. شکل‌گیری ۲. رشد و توسعه ۳. افول و فروپاشی قابل بررسی است. در مقاله هیچ یک از این موضوعات با استناد بر شواهد موجود (باستان‌شناسی، قرائن تاریخی، اطلاعات زمین‌شناسی) مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. این نقیصه بویژه در مورد مرحله شکل‌گیری و مرحله رشد و توسعه شهر بیشتر دیده می‌شود و نویسندگان توضیح روشنی از وضعیت شهر در این مراحل ارائه نمی‌دهند. هرچند انقراض و مترکه شدن شهر را به زلزله نسبت داده‌اند اما در این خصوص هم دلایل و مدارک کافی ارائه نشده است و تنها به برداشت‌های سطحی از متون تاریخی در این خصوص بسنده شده است (نظر نویسندگان در مورد دلایل انقراض شهر سیمره در ادامه به تفصیل مورد بررسی و نقد قرار گرفته است).

۲.۶ عدم شناخت و تسلط نویسندگان بر پیشینه تحقیق

نویسندگان مقاله شناخت دقیق و کاملی از پیشینه مطالعاتی شهر سیمره نداشته‌اند و تنها به چهار مورد از فعالیت‌های میدانی (کاوش و گمانه‌زنی) انجام گرفته در مورد خرابه‌های شهر سیمره اشاره کرده‌اند. این در حالی است که از اواخر دوره قاجار تاکنون شهر سیمره از جنبه‌های مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و مطالب فراوانی در مورد آن منتشر شده است. در همین جستار و در ذیل عنوان شماره ۴ به این پژوهش‌ها اشاره شده است. نه در پیشینه تحقیق و نه در دیگر بخش‌های مقاله اشاره‌ای به این پژوهش‌ها نشده است. در واقع ذکر پیشینه تحقیق به معنی دقیق کلمه نقد و ارزیابی پیشینه تحقیق است که ضرورت انجام تحقیق جدید نیز در آن مستتر است، پیشینه پژوهش مقاله فاقد این ویژگی است.

عدم شناخت و تسلط نویسندگان با پیشینه تحقیقاتی موضوع باعث شده که نویسندگان ادعاهای نادرست و اشتباهی را مطرح کنند؛ به‌عنوان مثال در ابتدای چکیده نویسندگان مقاله آورده‌اند که «از جمله آثار باستانی استان ایلام شهرهای باستانی بوده که تاکنون بررسی علمی و باستان‌شناسانه‌ای بر روی آنها انجام نگرفته است» (ص ۱۶۳). تقریباً اکثر شهرهای تاریخی استان ایلام شناسایی و معرفی شده‌اند (یوسفوند و حسینی ۱۳۹۴)؛ بر اساس گزارش‌های متون تاریخی شهرهای سیروان (یعقوبی ۱۸۹۱: ۳۱۹؛ ابوالفداء ۱۸۴۰: ۴۱۴)، آدیوجان (خزرجی ۱۹۷۰: ۶۴؛ مسعودی ۱۴۲۱: ۷۰)، سیمره (خزرجی ۱۳۴۲: ۶۱؛ حموی ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹) و جولیان از جمله شهرهای تاریخی در محدوده استان ایلام هستند. همه این شهر شناسایی، مکان‌یابی و معرفی شده‌اند؛ در این مورد علاوه بر پرونده‌های ثبتی و گزارش بررسی‌ها و فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی استان ایلام، تحقیقاتی نیز در قالب پایان‌نامه، کتاب و مقاله منتشر شده است (رجوع شود به بخش پیشینه). به‌نظر می‌رسد نویسندگان از این پژوهش‌های بی‌اطلاع بوده‌اند که چنین مطلبی را مطرح کرده‌اند.

یکی دیگر از مواردی که به‌روشنی عدم شناخت کافی و کامل نویسندگان در مورد پژوهش‌های انجام گرفته در مورد شهر سیمره را نشان می‌دهد آنجاست که نویسندگان در مورد گچ‌بری‌های شهر سیمره بحث می‌کنند (صص ۱۷۲-۱۷۵). در آنجا با ارائه تصاویر و طرح‌هایی از گچ‌بری‌های شهر سیمره به مقایسه آنها با نمونه‌های از محوطه‌های دیگر پرداخته شده است. پیش از این، این گچ‌بری‌ها در چند مقاله از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند که از قضا بحث اصلی آن مقالات نیز مقایسه این یافته‌ها با نمونه‌های از محوطه‌ها یا بناهای دیگر است (حسینی و همکاران ۱۳۹۴؛ یوسفوند و میری ۱۳۹۵؛ مبینی و

همکاران (۱۳۹۷). اما نویسندگان به هیچ یک از این مقالات اشاره نکرده‌اند. اشاره نکردن به این پژوهش‌ها می‌تواند به دو دلیل باشد یا اینکه نویسندگان از وجود این پژوهش‌های اطلاعی نداشته‌اند که به آنها رجوع کنند و در مقاله به آنها اشاره کنند و یا اینکه نویسندگان عمداً پژوهش‌های پیشین را نادیده گرفته‌اند. در هر دو حالت این امر نقض آشکار برای مقاله محسوب می‌شود.

۳.۶ برداشت سطحی از گزارش‌های متون تاریخی و تکرار نتایج پژوهش‌های

پیشین

نویسندگان از گزارش‌های متون تاریخی که اطلاعاتی در مورد شهر سیمره می‌دهند برداشت‌های سطحی داشته‌اند و این گزارش‌ها را بدون صحت‌سنجی و مطابقت با شواهد باستان‌شناسی پذیرفته‌اند و بر اساس آن نتیجه‌گیری کرده‌اند. در انتهای چکیده نویسندگان ادعا کرده‌اند:

در نتیجه بر مبنای متون تاریخی و جغرافیایی، داده‌های باستان‌شناسی و اطلاعات زمین‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که شهر در قرون اولیه اسلامی در سال ۲۵۸ ق در اثر زلزله‌ای به‌صورت کلی ویران و نابود می‌شود (ص ۱۶۳).

جدای از ایراد نگارشی که در این جمله وجود دارد مشخص است که این نتیجه‌گیری براساس بررسی و مطالعه دقیق متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی بدست نیامده است. این موضوع در کتاب کاوش‌ها و پژوهش‌های دره‌شهر مطرح شده که در اینجا نیز عیناً تکرار شده است (لک‌پور ۱۳۸۹: ۱۱۲). در متون تاریخی به وقوع دو زلزله در طول حیات شهر سیمره اشاره شده است؛ یکی در سال ۲۵۸ هجری که ابن‌اثیر گزارش آن را داده است (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ۴۳۱۶) و مقدسی هم به آن اشاره کرده است (مقدسی ۱۹۰۶: ۳۸۴). زلزله دوم در سال ۳۴۴ هجری بوده که مسعودی به آن اشاره کرده است (مسعودی ۱۸۹۳: ۴۸). گزارش متون تاریخی در مورد وقوع زلزله در شهر سیمره، مبنایی برای ارائه فرضیه‌ی متروکه شدن این شهر بر اثر زلزله بوده است. این فرضیه در پژوهش‌های پیشین مطرح شده و در مقاله مورد نقد در این جستار نیز تکرار شده است. هرچند در حال حاضر شواهد باستان‌شناسی موجود، وقوع زلزله در شهر سیمره را تایید نمی‌کند، اما با استناد بر گزارش‌های متون تاریخی می‌توان گفت که احتمالاً زلزله در شهر سیمره رخ داده است. اما در اینکه این زلزله‌ها باعث متروکه شدن

شهر سیمره شده است، تردید جدی وجود دارد! فرضیه متروکه شدن شهر سیمره بر اثر زلزله در صورتی قابل پذیرش است که علاوه بر گزارش متون تاریخی، با استفاده از شواهد متقن دیگری (همچون شواهد باستان‌شناسی و زمین‌شناسی) نیز مورد تأیید قرار گیرد. ابن‌اثیر یکی از منابع دست‌اولی است که به وقوع زلزله در شهر سیمره اشاره کرده است، وی به کشته شدن ۲۰ هزار نفر در اثر زلزله سال ۲۵۸ ق در شهر سیمره اشاره می‌کند. سوالی که مطرح می‌شود اینست که آیا شواهد باستان‌شناسی وقوع زلزله‌ای به این شدت در شهر سیمره را تأیید می‌کند؟ در سال‌های گذشته در بخش‌های مختلف شهر همچون خانه‌های مسکونی در شمال شهر، فضاهای تجاری در شمال شهر، بخش مسکونی در مرکز شهر، بخش تجاری در جنوب شهر (بازارچه) و همچنین مسجد شهر کاوش‌های گسترده‌ای انجام گرفته است که در نتیجه آن بخش قابل توجهی از شهر آشکار شده است، اما تاکنون هیچ‌گونه شواهدی از قبیل اسکلت و اثاثیه مدفون در زیر آوار که نشان‌دهنده وقوع زلزله‌ای مهیب باشد، بدست نیامده است. بعید به نظر می‌رسد که همه این بخش‌ها در هنگام وقوع زلزله خالی از جمعیت بوده باشند. پذیرش وقوع زلزله‌ای مهیب و متروکه شدن همیشگی شهر بر اثر آن، گذشته از اشارات متون تاریخی نیازمند شواهد بیشتر و موثق‌تری همچون وجود اموات و یا اشیاء و اثاثیه مدفون در زیر آوار است که تاکنون از سیمره بدست نیامده است. در کاوش‌های شهر سیمره شواهد زمین‌شناسی در برش دیواره‌های کاوش، آوارها و یا ویرانی‌های شدید که نشان‌دهنده وقوع زلزله‌ای مهیب در این شهر باشد بدست نیامده است. نکته دیگر اینکه مگر شهر سیمره در آن زمان چقدر جمعیت داشته است که ۲۰ هزار نفر از آنها در اثر زلزله کشته شدند؟ فرض شود که ۲۰ هزار از جمعیت شهر در اثر زلزله کشته شده‌اند با احتمال اینکه بخشی از جمعیت شهر نیز توانسته‌اند از زلزله جان سالم بدر برند، بنابراین جمعیت شهر می‌بایست بیشتر از ۲۰ هزار نفر بوده باشد، مثلاً چیزی در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر. اما آیا شهر سیمره گنجایش چنین جمعیتی را داشته است؟ بعید به نظر می‌رسد که جمعیت شهر سیمره در آن زمان در این حد بوده باشد.

گزارش متون تاریخی در مورد حوادث و اتفاقات رخ داده در شهر سیمره در سال‌های بعد از تاریخ‌های عنوان شده برای وقوع زلزله‌ها، همچون حمله ابراهیم ینال به شهر و کشتار مردم و غارت شهر در سال ۴۳۷ ق (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۵۳۹) نشان‌دهنده تداوم حیات شهر سیمره در سال‌های پس از زلزله‌ها است. ابودلف که در قرن چهارم ق به منطقه و شهر سیمره سفر کرده است نه تنها به خرابی شهر و آثار ناشی از زلزله اشاره‌ای نکرده بلکه رونق و حیات شهر سیمره در این زمان را متذکر شده است (ابودلف ۱۳۴۲: ۶۱). موارد بالا در کنار وجود سکه‌های

از شهر سیمره مربوط به اواخر سده چهارم یعنی تاریخ ۳۹۷ قمری (قوچانی ۱۳۷۴: ۶۰ تصویر ۴۲ و ۴۳)، اذعان کاوشگر شهر سیمره در صفحه ۱۱۳ کتاب گزارش کاوش‌های سیمره به ادامه حیات شهر تا نیمه قرن چهارم هجری (یعنی حدود ۳۵۰ هجری) نادرستی فرضیه ویران و متروک شدن یکباره شهر سیمره در سال ۲۵۸ ق بر اثر زلزله را نشان می‌دهد.

بنابراین هرچند که با استناد بر اشارات متون تاریخی وقوع زلزله در نیمه سده سوم (سال ۲۵۸ ق) و سده چهارم (سال ۳۴۴ ق) در محدوده ولایت مهرجان قدق و احتمالاً شهر سیمره پذیرفتنی است اما روشن است که این زلزله‌ها به این شدتی که متون تاریخی اشاره کرده نبوده است و احتمالاً متون تاریخی در این خصوص اغراق کرده‌اند. شواهد موجود نشان دهنده مسکون بودن شهر سیمره در سال‌های پس از زلزله سال ۲۵۸ ق و زلزله سال ۳۴۴ ق است. این موضوع بیانگر این است که حتی در صورت وقوع زلزله ساکنان شهر پس از زلزله‌ها اقدام به پاکسازی و بازسازی خرابی‌های ناشی از زلزله کرده‌اند و شهر پس از زلزله به حیات خود ادامه داده است. پیشنهاد نویسندگان مبنی بر ویرانی یکباره شهر سیمره بر اثر زلزله‌ی سال ۲۵۸ هجری قمری تنها برداشتی سطحی از گزارش‌های متون تاریخی و تکرار نظرات پژوهشگران پیشین است. شهر سیمره احتمالاً بر اثر عوامل دیگری که جای بحث آن در اینجا نیست، متروک شده است.

۴.۶ اتکاء بر شواهد غیر مرتبط در جهت تایید فرضیه تحقیق

نویسندگان برای تاکید بر وقوع زلزله در شهر سیمره به نتایج مطالعات زمین‌شناسی متوسل شده و با استناد بر آن تلاش کرده‌اند تخریب شهر سیمره بر اثر زلزله را قطعی و حتمی جلوه دهند. در این خصوص نویسندگان به یک حادثه طبیعی اشاره کرده و از آن با نام زمین‌لرزه یاد کرده و آن را بزرگترین زمین‌لرزه رخ داده بر روی کره زمین دانسته‌اند (ص ۱۷۵). اینان این حادثه را با زمین‌لرزه حادث شده در محدوده شهر سیمره در سده سوم هجری (که متون تاریخی گزارش آن را داده‌اند) یکی دانسته‌اند. پیش از نویسندگان مقاله مورد نقد در این جستار، این حادثه طبیعی با توجه به وسعت و ویژگی‌های خاص آن مورد توجه پژوهشگران متعددی در حوزه‌های زمین‌شناسی و باستان‌شناسی قرار گرفته است. این حادثه در کوه گور/گور (کبیرکوه) در ۱۵ کیلومتری جنوب شهر پلدختر و در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب غرب خرابه‌های شهر سیمره رخ داده است. نگاهی گذرا به مطالب منتشر شده در مورد این حادثه زمین‌شناسی نشان می‌دهد که اولاً این حادثه یک زمین‌لغزش بوده است و نه زلزله، در ثانی زمان وقوع آن

دوره نوسنگی بوده است و نه سال ۲۵۸ ق آنگونه که نویسندگان مقاله تصور کرده‌اند (ص ۱۷۵ و ۱۷۶). نتایج آزمایشات رادیوکربن انجام گرفته بر روی نمونه‌های بدست آمده از محدوده این زمین لغزش نشان‌دهنده وقوع آن در محدوده زمانی بین ۸۷۱۰ تا ۹۸۰۰ سال قبل است (Roberts & Evans 2013, 685). مطالعات باستان‌شناسی انجام گرفته بر روی محوطه‌های موجود در محدوده این زمین لغزش نیز نتایج مطالعات آزمایشگاهی را تایید می‌کند و نشان‌دهنده وقوع این حادثه در آغاز دوره هولوسن همزمان با اوایل دوره نوسنگی یعنی در حدود نه هزار سال قبل از میلاد است (مظاهری ۱۳۹۵: ۱۵۸). بنابراین زمین لغزش بزرگ سیمره هیچ ارتباطی با فروپاشی شهر تاریخی سیمره نداشته است.

ادعا شده است که «مطالعات زمین‌شناسی انجام شده بر روی گسل‌های منطقه نشان‌دهنده میزان شدت بالای زلزله بوده که خود باعث تخریب سطح وسیعی از بناهای شهر شده است» (ص ۱۷۶). مشخص نیست منظور نویسندگان کدام مطالعات است و چرا منبع آن ذکر نمی‌شود. در ادامه همین مطلب باز تکرار شده است که منطقه‌ای که شهر باستانی سیمره در آن قرار دارد بر روی خط زلزله قرار گرفته است، شاید این موضوع درست باشد و منطقه‌ای که سیمره در آن واقع شده بر روی خط زلزله قرار داشته باشد اما مشخص نیست که نویسندگان چرا منبع این مطالعات را ذکر نمی‌کنند. حتی اگر این ادعا درست باشد و شهر سیمره بر روی خط زلزله قرار داشته باشد، صرف اینکه شهر بر روی خط زلزله قرار دارد به هیچ وجه نمی‌تواند متروکه شدن شهر سیمره بر اثر زلزله را اثبات کند.

۵.۶ ارائه اطلاعات نادرست

به هنگام توضیح موقعیت شهر سیمره در زیر سرعنوان بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی الف) بسترهای جغرافیایی، گفته شده «کوه‌های مله یا مله‌افتو در حدود ۱۰ کیلومتری شمال و شمال‌شرق دره‌شهر با ارتفاع ۱۹۵۰ متر واقع است» (ص ۱۶۶). در شمال شهر سیمره فقط یک کوه وجود دارد و آن کوهی است که از شرق به غرب به طول ۲۰ کیلومتر امتداد دارد و املائی درست آن هم مه‌له است (تصویر ۱). در توضیح نام کوه مله‌افتو در پی‌نوشت شماره ۲ نویسندگان اظهار داشته‌اند این عبارت در زبان محلی یعنی گردنه‌ی آفتاب. این توضیحات با کوهی که در سمت شمال و شمال شرق سیمره قرار دارد مطابقت ندارد و در شمال و شمال شرق خرابه‌های شهر سیمره کوه یا گردنه‌ای به این نام وجود ندارد. این موضوع

نشان می‌دهد که نویسندگان شناخت دقیقی از جغرافیایی منطقه نداشته‌اند و آنگونه که ادعا کرده‌اند بازدید میدانی از منطقه نداشته‌اند.



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای از موقعیت شهر سیمره.

مأخذ: Google Earth

ادعا شده که «واقع شدن شهر سیمره در حدفاصل چهار پایتخت بزرگ ایران باستان یعنی شوش، تخت جمشید، هگمتانه و تیسفون و لزوم ارتباط بین این شهرها زمینه ایجاد جاده‌ها و راه‌ها را فراهم کرده است» (ص ۱۶۷). هرچند از نظر موقعیت ارتباطی شهر سیمره در زمان خود در یک موقعیت مناسب ارتباطی در مسیر شهرهای شمال خوزستان به مناطق غرب ایران بوده است، اما بعید به نظر می‌رسد که راهی که به تخت جمشید و هگمتانه منتهی می‌شده از سیمره عبور کرده باشد، این شهرها از نظر زمانی با سیمره همزمان نبوده‌اند و در زمان حیات شهر سیمره متروکه بوده‌اند (سامی ۱۳۳۰؛ تجویدی ۱۳۵۵؛ ملازاده ۱۳۹۳: ۸۱-۸۲).

در بخش شواهد باستان‌شناختی نویسندگان ادعا کرده‌اند که سبک معماری و مصالح مورد استفاده، سیستم شهری و شهرسازی سیمره نشان دهنده نمونه‌های شاخص دوره ساسانی است (ص ۱۷۰). هرچند در فنون و شیوه‌های ساخت و برخی عناصر معماری هم‌چون نوع تاق‌های به‌کار رفته در پوشش برخی بناهای شهر سیمره شباهت‌های با معماری دوره ساسانی وجود دارد اما از نظر الگوی شهرسازی شهر سیمره با نمونه‌های شاخص دوره ساسانی یعنی همان الگوی سه بخشی که شامل کهندژ، شارستان و ربض است هیچ

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسفوند) ۱۰۳

شبهاتی ندارد (تصویر ۲). آنگونه که تصاویر هوایی و ماهواره‌ای نشان می‌دهد، بناهای شهر سیمره در جهت جنوب به شمال گسترش یافته‌اند و این منطبق و در ارتباط با جریان آب چشمه‌های سراب دره‌شهر و سراب شوره است که از جنوب به شمال جاری هستند و از عوامل و بسترهای شکل‌گیری و گسترش شهر بوده‌اند.



تصویر ۲. تصویر ماهواره‌ای بقایای شهر سیمره که به موارزات رودخانه سراب دره‌شهر از جنوب به شمال گسترش یافته است. مأخذ: Google Earth

۶.۶ عدم پاسخ علمی به بخشی از سوالات پژوهش

نویسندگان در چکیده و مقدمه ادعاهایی را مطرح کرده‌اند که در ادامه مقاله در قبال آنها سکوت کرده‌اند و هیچ مطلبی در مورد آنها نیاورده‌اند. در مقدمه عنوان شده: «تقسیم شهرها در تحولات اجتماعی و نیز تبیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی شهرهای این دوره از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این مقاله است» نویسندگان توصیف روشنی از این موضوع در مقاله نداشته و در ادامه مقاله هم حتی یک جمله در مورد آن که به‌اذعان خود نویسندگان از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در مقاله است، بیان نمی‌کنند!

در قسمت روش پژوهش آمده است که

در این پژوهش سعی شده است که به منظور کسب اطلاع از زمینه‌های شکل‌گیری و فروپاشی یک شهر باستانی و انجام یک تجزیه و تحلیل بنیادی در رابطه با زمینه‌های مناسب ایجاد شهر سیمره و نابودی آن به یک نتیجه‌ای جامع منتهی شود.

سوای از ایراد نگارشی این جمله که درک آن را مشکل می‌کند، در خصوص این ادعا هم هیچ مطلبی در ادامه مقاله نیامده است. نویسندگان روش گردآوری اطلاعات را در دو بخش روش میدانی و روش کتابخانه‌ای عنوان کرده‌اند ولی از متن مقاله کاملاً مشخص است که تمام اطلاعات به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و نویسندگان هیچ بررسی میدانی در خرابه‌های شهر سیمره نداشته‌اند!

۷.۶ هدفمند نبودن مقاله

در قسمت مقدمه و در ذیل عنوان اهداف و ضرورت پژوهش آمده است که «هدف از انجام این پژوهش مشخص نمودن زمان ایجاد شهر سیمره و تغییرات احتمالی که در طول شکل‌گیری این شهر رخ داده می‌باشد». کاوشگر شهر سیمره پس از انجام نه فصل کاوش در این شهر با اتکاء بر نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی و بهره‌گیری از شواهد متون تاریخی به تفصیل به تاریخ برپایی شهر سیمره پرداخته و بحث مربوط به آن را در کتاب خود آورده است (لک‌پور، ۱۳۸۹). کتاب مورد نظر به کرات مورد استفاده نویسندگان مقاله قرار گرفته است (ص ۱۶۴، ص ۱۶۵، ص ۱۶۶، ص ۱۷۰، ص ۱۷۱، ص ۱۷۵)، نکته قابل تأمل اینجاست که نویسندگان با اطلاع از مطالب این کتاب هدفی را دنبال می‌کنند که پیش از این مؤلف کتاب مذکور به آن پرداخته است! جالب است که نویسندگان مقاله در نهایت برای زمان ساخت شهر سیمره و تاریخ و دلیل متروکه شدن آن، همان مطالب کتاب مورد نظر را بی‌کم و کاست تکرار کرده‌اند! با توجه به اینکه اهداف عنوان شده برای پژوهش و سوالات مطرح شده در مقدمه مقاله (یکی زمان ساخت شهر سیمره و دیگری دلیل فروپاشی آن) قبلاً در کتاب مورد اشاره مورد بررسی قرار گرفته است و نویسندگان هم از آن مطلع بوده‌اند این سوال مطرح می‌شود که اساساً انجام این پژوهش چه ضرورتی داشته است و نتایج آن چه چیزی بر دانش ما در مورد شهر سیمره افزوده است!

از دیگر نقدهای که بر مقاله وارد است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در ذیل عنوان بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی الف) بسترهای جغرافیایی نویسندگان توضیح مختصری در مورد موقعیت شهر سیمره آورده‌اند اما از بحث بیشتر در مورد ویژگی‌های

جغرافیایی و اقلیمی منطقه خودداری کرده‌اند. بهتر بود در این قسمت استعدادهای زیست‌محیطی منطقه همچون منابع آب، نوع خاک و مواد معدنی، پوشش گیاهی و جانوری و دیگر ویژگی‌های جغرافیایی منطقه که می‌توانسته در شکل‌گیری شهر تأثیرگذار باشد، مورد بحث و تحلیل قرار می‌گرفت. علاوه بر اینکه در این مورد مطلبی عنوان نشده، نویسندگان بلافاصله پس از ذکر مطالب مختصر و ناقصی از موقعیت جغرافیایی شهر سیمره به یکباره به ارتباطات شهر سیمره با دیگر شهرها و مراکز استقرار هم‌عصر با سیمره همچون شوش و شهرهای میان‌رودان پرداخته‌اند (ص ۱۶۶). اما حتی یک نمونه شاهدهی از متون تاریخی یا شواهد باستان‌شناسی که نشان‌دهنده وجود این ارتباطات باشد، ارائه نکرده‌اند. مشخص نیست که نویسندگان چگونه به وجود این ارتباطات پی برده‌اند.

در زیرعنوان بسترهای تاریخی (ص ۱۷۶) نویسندگان به بسیاری از متون تاریخی دست اول که در آنها مطلبی در مورد شهر سیمره آمده اشاره کرده‌اند که این خود یکی از نقاط قوت مقاله است، اما مشخص نیست که هدف از مطالب این بخش چیست! آیا منظور از بسترهای تاریخی بررسی وقایع تاریخی در شکل‌گیری و فروپاشی شهر سیمره است! اگر منظور و هدف از آوردن مطالب این بخش این بوده است چرا به هیچ یک از وقایع و تحولات تاریخی زمان شکل‌گیری شهر سیمره اشاره نشده است!

در بخش شواهد باستان‌شناسی، از شواهد باستان‌شناسی بدست آمده از شهر سیمره به‌منظور تبیین و توضیح بحث اصلی مقاله که همان بررسی حیات اجتماعی شهر سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی است استفاده نشده است و تنها به‌صورت توصیفی به این شواهد اشاره شده است. به‌عنوان مثال بخش زیادی از حجم مقاله (یک چهارم حجم آن) به تزیینات گچ‌بری بدست آمده از کاوش‌های انجام گرفته در برخی بناهای شهر سیمره اختصاص یافته است، اما از این شواهد و یافته‌های ارزشمند در جهت بحث اصلی مقاله هیچ استفاده‌ای نشده است! آوردن تصاویر و طرح‌های این گچ‌بری‌ها تنها بر حجم مقاله افزوده است. آیا یافته‌های باستان‌شناسی و این داده‌های فرهنگی نشان‌دهنده حیات پررونق شهر سیمره و ارتباطات گسترده تجاری، فرهنگی و هنری آن با دیگر مراکز هم‌دوره نیست؟. جای این مباحث در مقاله خالی است.

۷. نتیجه‌گیری

ارزیابی نقادانه مقاله نشان می‌دهد که این مقاله از نظر شکلی و محتوایی دارای کاستی‌ها و اشکالات جدی است که در این جستار به مهمترین آنها اشاره شد. هرچند از نظر شکلی استفاده از تصاویر، نقشه، جدول و نمودارها یکی از امتیازات مقاله است، اما تعداد کم تصاویر، کیفیت پایین آنها (به‌گونه‌ای که در اکثر آنها جزئیات تصاویر مشخص نیست) و عدم جای‌گذاری مناسب آنها در متن مقاله باعث شده تا از اثرگذاری آنها کاسته شود و کمکی به ارتقای مقاله نکند. از نظر محتوایی ایرادات مقاله از دو جنبه قابل طرح است؛ نخست رعایت‌نشدن اصول اولیه تحقیق و دوم ایرادات علمی آن است. در مقاله اصول اولیه تحقیق به‌ویژه در مورد پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته رعایت نشده است؛ نویسندگان به بیشتر پژوهش‌های که پیش از این در مورد شهر سیمره انجام گرفته هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند اما جالب است که نتایج و دستاوردهای آن پژوهش‌ها در لابلاهای مطالب مقاله دیده می‌شود! اشاره‌نکردن نویسندگان مقاله به این پژوهش‌ها می‌تواند به دو دلیل باشد یا اینکه نویسندگان از پژوهش‌های صورت گرفته اطلاعی نداشته‌اند یا اینکه عمداً آنها را نادیده گرفته‌اند! بی‌تردید مطالبی که پیش از این در مورد شهر سیمره منتشر شده است به دور از خطا و کاستی نیستند و یقیناً بررسی انتقادی آنها کاستی‌های و نقاط قوت آنها را آشکار خواهد کرد، اما روشن است که این فعالیت‌ها (خوب یا بد و با هر کیفیتی که انجام شده باشند) بخشی از پیشینه پژوهشی شهر سیمره به‌شمار می‌روند و نادیده گرفتن آنها (به عمد یا سهو) ضعفی آشکار برای مقاله است.

نویسندگان مقاله در زمینه تجزیه و تحلیل اطلاعات متون تاریخی و بررسی صحت و سقم آنها هیچ تلاش و تحقیقی انجام نداده و بدون ارزیابی و صحت‌سنجی، این گزارش‌ها را پذیرفته‌اند. نویسندگان از گزارش‌های متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی برداشت‌های سطحی و نادرستی داشته‌اند و این امر باعث ارائه تحلیل‌ها و نتایج نادرستی در مورد زمان و دلیل متروکه شدن شهر سیمره شده است. در مقاله اطلاعات نادرستی در مورد زمین‌لغزش سیمره مطرح شده است؛ این زمین‌لغزش زلزله و زمان وقوع آن قرن سوم هجری معرفی شده است؛ حال آنکه این حادثه یک زمین‌لغزش بوده که با توجه به نتایج آزمایشات رادیوکربن و شواهد باستان‌شناسی در دوره نوسنگی رخ داده است. به‌نظر می‌رسد ارائه این اطلاعات به این شکل برای تایید فرضیه خرابی شهر سیمره در قرن سوم هجری بر اثر زلزله بوده است که البته بنابر نتایج مطالعات جدید به کلی مردود است. در مقاله نظرات سیمین لک‌پور در مورد دلیل و

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسف‌وند) ۱۰۷

زمان متروکه شدن شهر سیمره تکرار و به‌عنوان نتایج پژوهش مطرح شده است. پیش از این سیمین لک‌پور کاوشگر شهر سیمره به اشتباه دلیل متروکه شدن شهر سیمره را زلزله و زمان آن را سال ۲۵۸ ق معرفی کرده است که با توجه به شواهد و گواهی‌های که پیش از این در متن مقاله آمد، این فرضیه مردود است، اما این اشتباه در مقاله تکرار شده و حتی به‌عنوان نتایج و دست‌آورد پژوهش مطرح شده است! عدم انطباق عنوان با متن و محتوای مقاله، ارائه اطلاعات نادرست، از هم گسیختگی و عدم انسجام مطالب از دیگر ایرادات علمی‌ای است که در مقاله دیده می‌شود.

بررسی انتقادی این مقاله اهمیت بررسی‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر متون تاریخی و صحت‌سنجی گزارش‌های آنها با استفاده از شواهد باستان‌شناسی در هنگام مطالعه شهرهای تاریخی را نشان می‌دهد. انتشار مقالاتی از این دست با این همه کاستی و اشتباهات علمی در مجلات علمی معتبر، زنگ خطری است برای اعتبار این مجلات و می‌طلبد که هم مسئولان مجلات در انتخاب داوران حساسیت و دقت بیشتری به خرج دهند و هم داوران مجلات با دقت و مطالعه بیشتر به داوری مقالات بپردازند!

تقدیر و تشکر

نگارنده از دکتر اسدالله جودکی عزیز و دکتر جواد حسین‌زاده ساداتی به‌خاطر بازخوانی مقاله و کمک‌هایشان در جهت بهتر شدن مقاله کمال تشکر و امتنان را دارد.

پی‌نوشت

۱. تا نیمه دهه هشتاد، مجلات تخصصی باستان‌شناسی محدود به چند مورد مجله باستان‌شناسی و تاریخ و مجله میراث فرهنگی بود. از نیمه دوم دهه هشتاد و بویژه در دهه نود، مجلات تخصصی باستان‌شناسی و انتشارات در این حوزه رشد قابل توجهی داشته است؛ از جمله مجلات تخصصی در حوزه باستان‌شناسی می‌توان به مجله مطالعات باستان‌شناسی ایران، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، مجله جستارهای باستان‌شناسی پیش از اسلام، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، مجله انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، باستان‌سنجی، مجله باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی، مجله باستان‌پژوهی، مجله اثر، مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس و .. اشاره کرد. اکثر این مجلات به زبان فارسی و تعداد اندکی از آنها به زبان انگلیسی منتشر می‌شوند. انتشار برخی از این مجلات در برهه‌های با وقفه

مواجهه بوده است. علاوه بر مجلات، برگزاری همایش‌های تخصصی در حوزه باستان‌شناسی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است و هر ساله چندین همایش بین‌المللی و داخلی در این زمینه برگزار می‌شود که در کتاب‌های مجموعه مقالات این همایش‌ها شمار قابل توجهی مقاله چاپ می‌شود.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- اسدی اوجایی، سیدکمال، عباس نژاد سرستی، رحمت، فاضلی‌نشلی، حسن، ولی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی جوامع فلات مرکزی ایران در هزاره پنجم ق م بر پایه فناوری سفال»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۲۰، دوره نهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۶-۲۱.
- احمدوند، عباس (۱۳۹۷). *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۲۵. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ذیل مدخل «سیمره». تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- اسماعیلی، مزگان و حسین علی‌بیگی (۱۳۹۳). «جغرافیای تاریخی دو ایالت ساسانی ماسبذان و مهرجان‌قدق و چگونگی فتح آنها به دست اعراب مسلمان». *مزدک‌نامه*. انتشارات پروین استخری. تهران: شماره ششم: صص ۳۹۱-۴۰۳.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل جایگاه ایالات ماسبذان و مهرجان‌قدق (ایلام) در دوره خلافت عباسی». *فرهنگ ایلام*، دوره شانزدهم. شماره ۴۶ و ۴۷: صص ۵۵-۷۴.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۵۰). *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
- چریکف، نیل (۱۳۵۸)، *سیاحتنامه*، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی‌اصغر عمران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حسین‌زاده ساداتی، جواد (۱۳۹۸)، «نقدی بر کتاب مقدمه‌ای بر ژنتیک باستان‌شناسی»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۸، صص ۶۲-۴۵.
- حسینی، سید هاشم، یونس یوسفوند و فرشاد میری (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی نقوش گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر تاریخی سیمره با نمونه‌های مسجد جامع نایین». *دوفصلنامه علمی-ترویجی پژوهش هنر*، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴. صص ۷۱-۸۵.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۳۷۶)، *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت.
- خزرجی، ابودلف (۱۹۶۰). *الرساله الثانيه*، ترجمه و تعلیق از بولگاکف و آنس خالدوف، مسکو.
- دومرگان، ژاک (۱۳۳۹)، *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: چهر.

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسفوند) ۱۰۹

راولینسون، هنری (۱۳۳۶). سفرنامه هنری راولینسون به لرستان-خوزستان و بختیاری، ترجمه سکندر امان‌الهی، لرستان: انجمن ادب و قلم.

عبدی، کامیار (۱۳۹۵)، «شیون بر یک کتاب؛ چگونه توهم دانش بر جامعه ما سیطره یافته است!»، *باستان‌پژوهی*، سال نهم، شماره ۱۹-۱۸، پاییز ۱۳۹۵. صص ۱۵۶-۱۴۷.

علی‌بیگی، سجاد (۱۳۹۹)، «کوره‌های سفالگری، تولید تخصصی، محوطه صنعتی، جامعه خان‌سالار»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال بیستم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۹، صص ۲۴۳-۲۷۲.

زارعی، محمدابراهیم، پیمان منصوری و سعید منصوری (۱۳۹۱). «مکان‌یابی ایالت‌های ماسبذان و مهرجان‌قدق بر اساس متون دوره اسلامی و داده‌های باستان‌شناسی». *مزدک‌نامه*. تهران: انتشارات پروین استخری.

زارعی، محمدابراهیم و اکبر شریفی‌نیا، (۱۳۹۸)، «بازشناسی و مکان‌یابی شهرهای سیمره، ابن‌هیبره و هاشمیه (نقدی بر یک مکان‌یابی)»، *دوفصل‌نامه سخن تاریخ*، سال ۱۳، شماره ۲۹، صص ۶۷-۹۲.

سعادت‌تی، محسن و حسین ناصری صومعه (۱۳۹۸). «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۲۲، دوره نهم، پاییز ۱۳۹۸. صص ۱۶۳-۱۸۰.

سعادت‌تی، محسن (۱۳۹۴). ویژگی‌های شهرسازی دوران تاریخی استان ایلام؛ مکانیزم گذر از دوران ساسانی به دوران اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران. شریفی‌نیا، اکبر و طیبه شاکرمی (۱۳۹۶). *باستان‌شناسی و تاریخ دره‌شهر (سیمره)*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

عباسی ایوب (۱۳۸۳). «از مهرگان‌کدک تا سیمره؛ بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ناحیه مهرگان‌کدک از ورود اسلام تا سال ۳۵۰ ق». *فرهنگ ایلام*، شماره ۱۹ و ۱۸: صص ۸۷-۹۳. فریادیان، بهزاد (۱۳۸۸)، گزارش کاوش در شهر سیمره، تهران: آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).

فیضی، مهسا، نسیم فیضی و یدالله حیدری باباکمال (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر جریان‌های فرهنگی حاکم بر شکل‌گیری نقوش سفال‌های صدر اسلام سیمره، نمونه موردی: سفال بدون لعاب». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۲، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱. صص ۱۳۱-۱۵۲.

قره‌چانلو، حسین (۱۳۶۰). «استان ایلام و عیلام؛ پژوهشی در جغرافیای تاریخی ماسبذان و مهرجان‌قدق». *مجله مقالات و بررسی‌ها*. دفتر ۳۵ و ۳۶: صص ۳۱-۵۲.

قوچانی، عبدالله (۱۳۷۳). قلمرو حکومت ابونجم بدرین حسنیوه با استناد بر سکه‌ها، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۳، صص ۴۶-۶۵.

۱۱۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۶۸). دره‌شهر، مجموعه مقالات شهرهای ایران، ج ۳، تهران: جهاد دانشگاهی، صص ۳۴-۶۵.

گراوند، مرتضی و محسن زینی‌وند (۱۳۹۲). «پیشنهادی برای محل شهر ساسانی سیمره براساس متون تاریخی و مدارک باستان‌شناختی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: دانشگاه تهران، صص ۴۷۳-۴۸۴.

لباف‌خانیک، میثم (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد کتاب شهرهای ساسانی از منظر تاریخ و باستان‌شناسی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هفدهم، شماره چهارم، مهر و آبان ۱۳۹۶، صص ۸۰-۶۷.

لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر، تهران: پازینه. لک‌پور، سیمین (۱۳۷۸)، معرفی خانه اربابی، در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، ج ۱، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۲۱۸-۱۸۷.

مبینی، مهتاب، طیبه شاکرمی و اکبر شریفی‌نیا (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی تزیینات گچ‌بری مسجد سیمره با مسجد نه‌گنبد بلخ و سامرا از دوره عباسی». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی. دوره ۲۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷. صص ۶۱-۷۲.

مسعودی، (۱۳۴۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. همو، علی بن حسین (۱۳۴۶). التنبیه و الاشراف، لیدن: بریل.

مظاهری، خداکرم، محسن زینی‌وند و بهرام کریمی (۱۳۹۳). «زوال ولایت مهرجان‌قذق براساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»، مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۲. صص ۸۵-۱۰۲.

مقدسی، محمد بن احمد (۱۹۰۶). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، لیدن: بریل.

یعقوبی، (۱۳۴۳). البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یوسف‌وند، یونس و فرشاد میری، (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر تاریخی دره‌شهر با نمونه‌های مسجد جامع نایین»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۳۹، صص ۳۵-۴۵.

یوسف‌وند، یونس (۱۳۸۹). بررسی باستان‌شناختی شهرهای صدر اسلام در استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

یوسف‌وند، یونس و فرشاد کرم‌زاده (۱۳۹۹)، «شهر سیمره از شکل‌گیری تا انقراض؛ مطالعه عوامل مؤثر در مکان‌گزینی، گسترش و انقراض شهر سیمره». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۷، دوره دهم، زمستان ۱۳۹۹. صص ۱۵۱-۱۷۲.

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسفوند) ۱۱۱

De Morgan, J. (1896). *Recherches Archeologiques I*, Paris, Ernest Leroux.

Stein, S. A (1940). *Old Roudes of Western Iran*, London.

Schmidt, Erich. Murits van Loon & Hans H. Curvers *The Holmes Expedition to Luristan*,
Bulletin of the American- Institute for Iranian Art Archaeology, Vol. V(1938),pp.205-216.

Mutin, B. & Omran Garazhian (2019), Iranian-French Archaeological Mission in Bam,

Kerman: Summary of Field-seasons 2016-2017. *Archaeology*, No.2, Spring 2019. Pp. 1-13.

Schmidt, Erich (1940). *Flights over Ancient Cities of Iran*. The university of Chicago press.
Chicago, Illinois. U.S.A.

Roberts, N. J. & Stephen G. Evans (2013), the gigantic Seymareh (Saidmarreh) rock avalanche,
Zagros -Fold-Thrust Belt, Iran. *Journal of the Geological Society, London*, Vol. 170, 2013,
pp. 685-700.

